

## احمد. سایه آفتاب

□ دکتر منوچهر اکبری

(استاد دانشگاه تهران)

برخی از تحلیلگران و سیاسیون از همان آغاز نهضت بر این تصور و شاید هم آرزو بودند که تمام ارکان و مسئولیتها و پست‌ها را در اختیار جناح خود داشته باشند. نکته از این هم فراتر است اگر حتی خود در مسند مسئولیت و قدرت و اجرا در کشور قرار می‌گرفتند و در مسابقه، و یا رقابت با جناح رقیب او را حذف نمی‌کردند. خط بطلان نمی‌کشیدند. سابقه‌دار و مسئله‌دار نمی‌کردند. در عوض هر چه به جناح رقیب حمله و تهاجم می‌کردند، خودشان را اصیل و ذی‌حق و ماندنی نمی‌دانستند، جای شکرش باقی بود. زیرا به نوعی به اصل «نداولها بین الناس» پایبند بودند. عجایب تصور برخی این است که همیشه برحقند و رقبا همیشه باطل و زدودنی! سرمنشاء اصلی این جدایی‌ها و اختلاف‌ها و نزاع‌ها و شعارها به آن برخوردهای غیرمنصفانه و مجرم‌نگری جناح‌بازی در سالهای اخیر برمی‌گردد. جناح‌ها معمولاً وقتی به قدرت می‌رسند دچار کوررنگی می‌شوند. یا تجاهل‌العارف می‌نمایند و برای دفاع از برنامه و اهداف و منویات خود به نقد غیرمنصفانه گذشته می‌پردازند. رشد خود را در تخریب نیروهای قبلی می‌دانند. این نکته را فراموش می‌کنند که تمامی دولتهایی که پس از پیروزی انقلاب بر مسند قدرت یا قبول مسئولیت رسیده، قانونی بوده‌اند. با رأی ملت روی کار آمده‌اند، در زمان حضرت امام (ره) مورد تأیید و تنفیذ امام قرار گرفته‌اند، حتی دولت بنی‌صدر مخلوع مورد تأیید مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و در پیشگاه ملت سوگند



یاد کرد. پس از ارتحال امام هم صلاحیت دولت‌ها همگی از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شیوه امام، تنفیذ شده و از مجلس وقت تأیید گرفته‌اند. قبل از این هم که به رأی‌گیری پردازند مراحل قانونی ثبت‌نام و تأیید شورای نگهبان و پس از آن هم، اصل انتخابات مورد تأیید شورای نگهبان واقع شده است. از مقام معظم رهبری بگیریید تا تمام کسانی که تریبون دارند، به سی سال انتخابات و دموکراسی اسلامی افتخار کرده‌ایم.

احمدآقا نگاه منصفانه و عمیقی به جریانهای سیاسی داشتند از همان سالهایی که اوج اختلاف، در دل برخی از مردم و مسئولین خیزابی بود. ایشان حتی وجود اختلاف را در تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی شاهد بوده است. اما این اختلاف را از نوع «اختلاف اُمّتی رحمه» می‌دانستند. معتقد بودند با همهٔ اختلاف نظر و دیدگاهی که دو جناح شاخص سیاسی داشتند، اما در اهداف مشابه بودند. شاید برخی را طرح این مسئله که به ظاهر آتش زیر خاکستر است، خوش نیاید و نوعی دامن زدن به تفرقه بدانند، معتقدم اینکاش در این روزها تندروهای دو جناح سرعقل می‌آمدند و راه دوستی و مهربانی پیش می‌گرفتند و در موضع جانبداری سرسختانه از یک جناح نمی‌ایستادند و از زبان دو جناح حرف می‌زدند. در سالهای نخست پیروزی انقلاب که اختلاف در مرحله‌ای بین نیروهای خط امام و در آنسو جناح موسوم به جبهه ملی و نهضت آزادی (تا پایان دوران بنی‌صدر) در واقع دو طرف نزاع بگونه‌ای دیگر بود. آن اختلاف‌ها از انتخاب نام برای نظام شروع شد به قانون اساسی و حتی جایگاه و موضع ولایت فقیه هم کشیده شد. البته امام بقدری دقیق و عمیق و نکته‌سنج بود که باوجود شنیدن صدای آنان حتی معترضان به قانون اساسی که شکاف و انحراف را شروع کرده بودند، همه را ذیل چتر نظام جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه بیش، تجمیع کردند. تجمیعی اقناعی نه آمرانه، دیدیم که با تدبیر خاص امام در انتخابات نوع نظام، بیش از ۹۸٪ رأی مثبت دادند. این بماند که از آغاز همان درصد بسیار ناچیز ساز، مخالف خواندند و هرازگاهی که آتشی شعله‌ور می‌شد آنان دامن می‌زدند. و از همان آغاز راهشان را با امت مسلمان و دلباخته نظام مقدس جمهوری اسلامی و ولایت‌مدار ایران جدا کردند. در سکوتشان هم نوعی نارضایتی بود. اگر حرف نمی‌زدند یا حرکتی از خود

□ احمد آقا نگاه منصفانه و عمیقی به جریانهای سیاسی داشتند

□ احمد آقا، دستان پیدا و پنهان دستگاههای جاسوسی غرب بخصوص سیا و موساد را در ایجاد خط تفرقه بین فرزندان انقلاب نادیده نمی گرفت و علاوه بر آن، نبود یا ضعف تقوی را هم در تشدید جدایی و تفرقه بسیار مهم می دانست

نشان نمی دادند نه از موضع توانمندی و قدرت خویشنداری بود بلکه از جهت ضعف و ناتوانی و استیصال و درماندگی بود. برخی از آنان به جمع منافقین پیوستند و مرید خط در یوزگی شدند و برخی هم خارج نشین شدند و عملاً ظلمه و استکبار، برخی هم در پی فرصت بودند که به توطئه پردازند، اما در جمع، همه آنان عدد و رقمی نبودند که کوچکترین مشکلی در مسیر انقلاب و راه روشن نظام پیش آورند.

امام در آن روزگار، حتی در برابر افرادی که در برابر عنوان جمهوری اسلامی برای نظام، از حکومت اسلامی دم می زدند ایستاد و با وجودی که خود اولین کسی بود که مبانی و مانیفست و فلسفه تشکیل نظام اسلامی را با تألیف کتاب «حکومت اسلامی» مطرح و تدوین کرده بود، در جمهوری اسلامی ظرفیتی فراتر از حکومت اسلامی سراغ داشت. حتی افرادی را هم که تشکیل حکومت اسلامی را در زمان غیبت امام عصر (عج) کاری رضامندانه نمی دانستند، با خویش همراه ساخت. کسانی را هم که نگاهی التقاطی بر نوع نظام داشتند و به جمهوری دموکراتیک و عنوانی از اینگونه، علقه نشان می دادند و بعضاً هم معاند و مخالف نبودند، متقاعد کرد و قاطعانه دست رد بر سینه آنها زد. حداقل تا سالهای پس از رحلت امام، همانها هم فیلشان یاد هندوستان نکرد، در



مواردی حتی می‌گفتند انقلاب از شعار اصلی یعنی «حکومت اسلامی» منحرف شده است اما در برابر اجماع کلی مسئولین و بخصوص صراحت بیان مقام رهبری و سایر مسئولین راه بجایی نمی‌بردند.

احمد آقا دستان پیدا و پنهان دستگاههای جاسوسی غرب بخصوص سیا و موساد را در ایجاد خط تفرقه بین فرزندان انقلاب نادیده نمی‌گیرد. علاوه بر آن، نبود یا ضعف تقوی را هم، در تشدید جدایی و تفرقه بسیار مهم می‌داند.

«یکی از ترفندهای مؤثر سازمان سیا، موساد و سایر دستگاههای جاسوسی غرب بدبین کردن فرزندان انقلاب نسبت به یکدیگر است. این بدبینی بدون عکس العمل نیست و بستگی به میزان تقوای افراد دارد. فرد اگر تقوا نداشته باشد از مسائل سیاسی فراتر می‌رود و حتی ناسزاگویی، تهمت، دروغ، افترا و تحقیر را به زندگی شخصی و خانوادگی دیگران می‌کشانند.»

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۲۷)

عجیب اینکه گویا احمد آقا چنین روزهایی را پیش‌بینی کرده بود که از جانب دو جناح حرف می‌زد در جایی می‌فرماید:

«یقیناً امروز هر دو جریان سیاسی از اینگونه اعمال به دور هستند که در ذهن فرزندان انقلابی امام هرگز اینگونه مسائل غیراخلاقی و غیر اسلامی خطور نمی‌کند. به دنبال هر واقعه سیاسی و غیرسیاسی که به نظام و انقلاب مربوط می‌شود این مسائل تلخ اخلاقی در سطح جامعه طرح می‌گردد. شک نکنید که اینگونه مسائل از طرف عمال سرویسهای جاسوسی و تبلیغاتی غرب طراحی می‌شود»

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۲۷)

جایی از موضع جناح موسوم به اصولگرای امروزی حرف می‌زند و جایی از جناح موسوم به اصلاح طلب امروزی هر دو را به برادری و دوستی و همدلی دعوت می‌کند. البته یک تفاوت آشکار را باید در تحلیل امروزی این دسته‌بندی در نظر داشت، این که امروز اصولگرایان به اصلاح طلبان می‌گویند شما در خط ولایت نیستید. حتی به آنان که حداقل در زمان امام بیش از پیش امروزی‌ها در خط امام بودند می‌گوید ضد ارزش و این همان بی‌تقوایی طرفین است که مثل خوره به جان امت واحده افتاده است. یقیناً بیگانگان فرصت طلب که می‌خواهند هیچکدام از این

دو جناح سر به نشان نباشد، از این نزاعهای لفظی هم بهره‌برداری می‌کنند. عجبا که برخی از مسئولین دیروز که در مصادر بالای اجرایی کشور بودند امروز معرکه گردان شبکه‌های بیگانه و دشمن شده‌اند و باز بر طبل میان‌تهی می‌کوبند و بر تحلیلهای بیمارگونه پای می‌فشارند.

«شایعات جدایی نظام از خط امام، شایعات نزدیکی نظام به غرب از یک طرف و شایعات جدایی فرزندان انقلاب و امام از خط ولایت به نفع کیست؟ ممکن است بعضی از موضع‌گیریه‌ها، شایعات ساخته دستگاههای جاسوسی غرب را در جهت این دو تحلیل تقویت کند، ولی اگر افرادی از هر طیف و جریانی اینگونه عمل کردند گرفتار حکم کلی دستگاههای جاسوسی غرب برای بدبین کردن همه به همدیگر شده‌اند»

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۲۷)

درس عبرتی که باید از گذشته تاریخی گرفت اینکه گویا سرمشقی که از طرف نیروهای خودی و بیگانه گرفته می‌شود، تکراری است. به دیگر زبان چرخه آسیب‌ها و آفت‌ها تا حدی کلیشه‌ای است. جای درنگ بسیار دارد که گویا نوعی اجبار و تحکم در برخی موضع‌گیری‌های سیاسی جناح‌ها به سنت تبدیل شده است. برخی از اصحاب تحقیق هم بعلت کثرت مطالعه از آثار و تحلیلهای التقاطی و یا حتی ترجمه‌ای در اثر مرور زمان ذهنشان با لایه‌ای از رسوب ناموافق و یا همخوان با راه روشن امام شکل گرفته است. شاید غرور علمی یا همان حجاب اکبر که امام عزیز همیشه به خطر و مضرات آن هشدار می‌دادند، اجازه نمی‌دهد بپذیرند که ممکن است آنها هم اشتباه کنند.

لازم است این امر را که گویا به یک اصل مقرون به ثابت، تبدیل شده است اندکی واکاوییم. امروز متأسفانه جناح تندروی اصولگرا به اصلاح‌طلبان برچسب یا تهمت وابستگی به غرب می‌زنند، آنها را خارج از خط ولایت می‌دانند. برخی را هم خارج از خط امام می‌دانند. از سویی طرف‌ها و توطئه‌ها و شایعات و فعالیت گسترده و پیچیده عوامل استکبار جهانی بخصوص در ساخت رسانه را نیز بدین امور اضافه کنید، شرایط را بگونه‌ای همراه می‌سازد که شائبه وابستگی یا همسویی با غرب را حتی برای تمام منتقدان دلسوز نظام، و آنان که از سر درد و خیرخواهی به نقد عملکردها می‌پردازند در اذهان فراهم می‌آورد.



□ باید به سمت و جهتی حرکت کنیم که دوباره مثل روزهای آفتابی حضور امام، همگان بر خوان برادری و یکدلی کنار هم بنشینیم

□ اینکه احمد آقا پس از امام به جناح خاصی وابستگی سازمانی پیدا نکرد چه بسا این روزهای خاکستری و غبار آلود را پیش بینی می کرد

این جدال و تقابل بحدی پیش می رود که در روزها یا حتی ماههایی همه چیز فراموش می شود و جناح معمولاً حاکم با توجه به امکانات وسیع، گسترده و متنوعی که از شبکه رسانه ها اعم از صوتی و تصویری، مکتوب و اینترنتی، انواع بلندگوها و تریبون هایی که دارد و نیز پشتیبانی عظیم مالی تمام توان خود را برای تهاجم و تخریب و تضعیف و انزوا و حتی انهدام مسئولین دیروز کشور، یاران دیروز امام و فرزندان انقلاب بکار می برد، تهاجم از مرز لفظ و کلام و نوشته فراتر می رود. حتی به ترور سیاسی کشیده می شود. دشمن اصلی یعنی استکبار جهانی فراموش می شود و دستور فرمان حمله به سوی خودی ها و نیروهای با سابقه و باتجربه اجرایی دیروز کشور داده می شود، در این میان رقم مغلظه نیز بالا می گیرد حتی افراد در اثر قدرت دچار کوررنگی می شوند و حسن و قبح درهم می پیچید همه را تیره می بینند و حتی خدمات شایان توجه مدیریتی و اجرایی دیروز به اتهام و فساد و خیانت آلوده و مشوب می شود و این آشفته بازار را کسی نمی تواند مدیریت کند، یعنی لگام و عنان از دست می رود و مبالغه نیست اگر بگوییم در اثر این افراط و تندروی ها حتی امنیت ملی به خطر می افتد.

باید به این واقعیت تاریخی تن دهیم که چهره های خدوم و دلسوز و پیروان اندیشه های امام

در هر دو جناح وجود دارند این تحلیل و دقت نظر را سالها پیش یادگار امام یادآور شده‌اند:

«اینجانب بارها گفته‌ام که فرزندان انقلاب چهره‌های شناخته شده هر دو جریان سیاسی هستند که از اول انقلاب پیرو اندیشه‌های حضرت امام، و مروج دلسوز اسلام بوده‌اند و علیه رژیم شاه و دارو دسته‌اش قیام کرده‌اند و بعد در صحنه‌های مختلف انقلاب همراه امام بوده‌اند».

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۲۶)

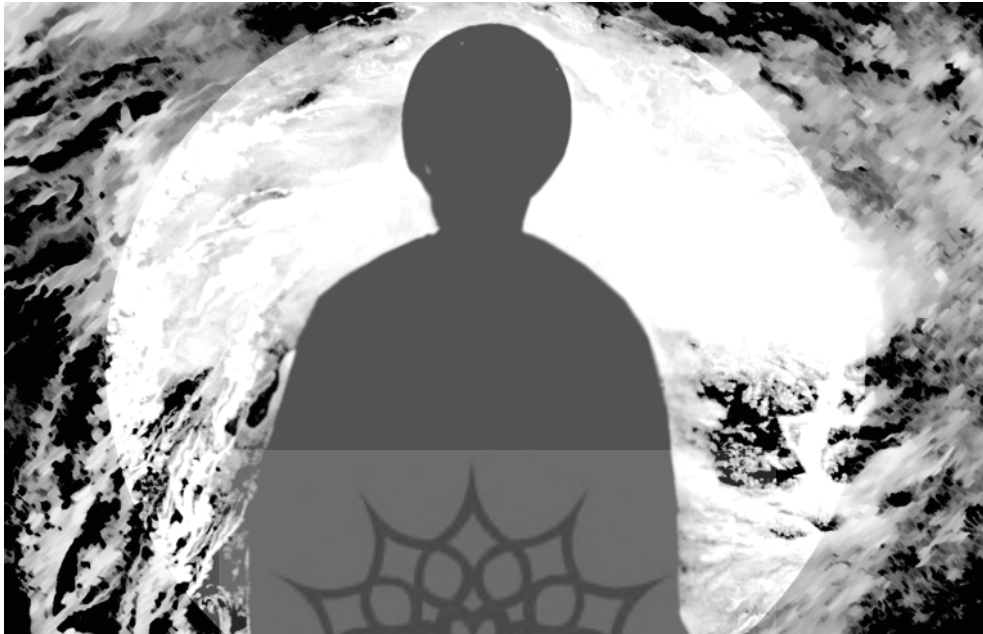
باید دوستان انقلاب از سخنان و تجارب یادگار امام درس عبرت بگیرند. مرحوم حاج احمد آقا در کانون انقلاب قرار داشت. از امام خاطرات و تجاربی داشت که اگر اجل امانش می‌داد و آنها را بازگو می‌کرد، امروز بعنوان چراغ راه تمام نیروهای انقلاب اعم از پیران نسل اولی تا نسل جوان و در راه، کارساز مفید و رهگشا بود. به این سخنان یادگار امام با اندکی درنگ و تأمل بنگریم تا درس عبرتی باشد برای فردای همگان:

«سیاستهای حاکم بر جهان استکباری هرگز با رشد فرهنگ اسلام در شئون مختلف و جوامع بشری سازگار نیست. اساس دشمنی‌های آنان با ما ریشه عقیدتی دارد. فرزندان ایران اسلامی باید از شعور بالای سیاسی و اعتقادی برخوردار باشند، علاوه بر شناخت مکتب اصیل اسلام از دشمن‌شناسی لازم نیز برخوردار باشند تا در برابر تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح داخل و خارج کشور دچار سردرگمی نشوند. رشد سیاسی نوجوانان خواست امام است. زیرا تفکیک ناپذیری دیانت و سیاست ما به نقطه‌ای عالی از رشد و کمال انسانی منجر خواهد شد. در شرایط کنونی بر کسی پوشیده نیست که امریکا و متحدانش اساساً به تنها چیزی که نمی‌اندیشند دفاع از حقوق انسانی است».

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۳۳۰)

برخی را تصور اینست که دشمن شخصی است با کد و شناسنامه و قیافه و هیكل معینی که مقابل ما ایستاده است و حکم و دستور حمله می‌دهد! عجباً که مؤمن از یک سوراخ بیش از یکبار گزیده شود! شگفتا از این که ماتصور کنیم دشمن از سر این کشور دست بر می‌دارد؟! آغاز فاجعه روزی است که استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل و اقمارشان روزی با ما که بر مواضع اصولی ایستاده‌ایم کنار بیایند! گاهی وقتها که خدا افراد یا اشخاص یا جناحها و جریانهای سیاسی را بحال خود وا می‌گذارد کارها و مواضع و نتیجه اعمال و کردارشان از خود استکبار هم





شکننده تر و مخربتر است. راستی اگر قرار بود امام مثل بخود واگذار شده‌ها عمل کند، امروز نه از تاک نشان می‌ماند و نه از تاک نشان. راستی یاران انقلاب، فرزندان انقلاب و امام از نیروهایی که سالها برای اهداف شوم استعماری شاه تربیت شده بودند، بدترند؟! مگر امام راحل در برابر برخی از خواسته‌های غلط جبهه‌های ملی و نهضت آزادی مبنی بر انحلال ارتش و قطع واردات نظامی تسلیم شد؟! اگر به رضای دل آنان عمل می‌کرد می‌بایست ارتش را کلاً منحل می‌کرد و حتی ابزار و تجهیزات جنگی و نظامی موجود را به دیگران می‌داد! با این توجیه بسیار کودکانه و ساده‌لوحانه اما شیطنت‌آمیز برخی از دولتمردان دولت موقت، که ما دیگر انقلاب کرده‌ایم به کسی هم کاری نداریم، قصد تعدی و تجاوز هم به هیچ خاک و سرزمین و قوم و کشوری نداریم. پس چه دلیل و ضرورتی دارد که اینهمه تجهیزات و امکانات نظامی داشته باشیم و اینهمه نیروی نظامی را در خدمت داشته باشیم؟! شگفتا از این تفکر و توجیه؟! شگفتا از آینده‌نگری، تیزبینی و بلندنظری امام راحل که نه بعنوان یک نظامی حرفه‌ای بلکه بعنوان یک فقیه و عالم دینی و عارف و مرجع و



مجتهد نه تنها ارتش و سازمانهای نظامی و انتظامی را منحل نکرد بلکه مصداق عینی و کامل این شعر شد که:

مذهب زنده دلان خواب پریشانی نیست از همین خاک جهان دگری ساختن است

دیدیم که امام از ارتش طاغوتی، ارتشی توحیدی و انقلابی و ولایی ساخت، آنان را با دم مسیحایی در خط اسلام و قرآن و برای دفاع از کیان نظام و اسلام و کشور بخطر کرد. آنان هم از این تحول درونی که در راستای فطرت پاک نهفته در وجودشان بود تا مرز شهادت و ایثار جان، استقبال کردند. ارتشی که برای اهداف و مأموریت‌های استکباری و در جهت حفظ منافع امریکا تشکیل یافته بود. دقیقاً در چرخشی یکصد و هشتاد درجه‌ای با تمام وجود، راست قامت و دلاور و رشید سرافراز در برابر استکبار و عوامل سرسپرده آن ایستاد. به تلقی دیگر چونان خُر عمل کرد. به حکم ارادتی که به امام داشت از صف کفر و باطل به فرماندهی صف توحید و اسلام و حق درآمد. این را یاد آور شدم تا زنگ و رنگ فراموشی را از گوش و دلمان دور کنیم. آیا واقعاً نیروهای انقلاب و فرزندان معنوی امام از آنان بدترند؟ باید به سمت و جهتی حرکت کنیم که دوباره مثل روزهای آفتابی حضور امام همگان بر خوان برادری و یکدلی کنار هم بنشینیم. برای برداشتن گامهای بلند و نیل به اهداف مقدس امام و شهیدان بنیانی مرصوص تشکیل دهیم باید سرود وحدت سر دهیم و به سوی فردایی روشن و عزتمند و افتخار آفرین استوار و نستوه گام برداریم. گفته حضرت حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی، در جریان برخورد از نظریات و آرای مشابه و حتی فاقد اختلاف اصولی با یکدیگرند.

«... چنین نپنداریم که دو جریان با یکدیگر اختلاف اصولی دارند، اینطور نیست، اینجانب در مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا شورای عالی امنیت ملی شاهد هستم و اکثر قریب به اتفاق آراء و نظریات هر دو جریان را شبیه به هم می‌بینم.»

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۲۶)

معتقدم معدود افرادی که دیروز یا شهادت اظهار نظر نداشتند یا موقعیت و شرایط را به نفع و همسو با خود نمی‌دیدند در شرایطی قرار گرفته که ناخواسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

سؤال اساسی که از محتوای بیانات واقعاً هدایتگر و ارزشمند و راهگشای یادگار امام - در



ملاقات با شورای مرکزی خانه کارگر، شورای اسلامی کار و کارگران کارخانجات تهران کرج، در تاریخ ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱- بر می آید این است که چرا بخود نمی آیم؟ چرا اینقدر بر طبل تفرقه می کوبیم؟ چرا معتقدیم یک جناح هر قدر هم قدرتمند باشد می تواند کشور را بخوبی اداره کند؟ چرا یک نگاهی و تک بعدی و خودنگر شده ایم؟ یعنی امام عزیز که آنقدر تجربه داشت و سرد و گرم روزگار را چشیده بود، اشتباه کرد که با تفکیک تشکیل روحانیت با روحانیون مبارز موافقت کرد؟! اشتباه کرد که دیدگاههای متفاوت اما مشترک در اصول و مبانی را با آغوش باز می پذیرفت؟ اشتباه کرد که جناحهای سیاسی را مادام که با انقلاب و نهضت و قانون اساسی همسو و بدان معتقد و پایبند بودند، می پذیرفت و حتی پر و بال می داد؟! چرا امام حکم نکرد که همه باید تمام فعالیتهای سیاسی و حزبی و جناحی را تعطیل کنند و همه یک جور ببینند و یک جور حرف بزنند و تک رنگ باشند. واقعاً این امر شدنی بود و امام عزیز از کنار آن بسادگی می گذشت؟ و مگر مقام معظم رهبری به صراحت و بارها اختلاف سلیقه و نقد درون خانوادگی و درون نظامی را اعلام نکرده اند؟

اینکه احمد آقا پس از امام به جناح خاصی وابستگی سازمانی پیدا نکرد چه بسا این روزهای خاکستری و غبارآلود را پیش بینی می کرد که نمی توانست بسادگی در یک سو قرار گیرد و چشم از دیگر سو حتی پس از فرو نشستن غبارها بپوشد. مگر نه اینکه در تمام مسائل و سطوح مملکتی و در موضوعهای گوناگون از کوچک تا بزرگ دو نگاه مشهود بود. هرگز امام و پس از آن هم یادگارشان صورت مسئله را به نفع جناح و گروهی خاص پاک نکردند. امام همیشه از آغاز نهضت تا پایان عمر بر «وحدت» که باید آن را اصلی ترین و استراتژی ترین شیوه های مدیریت نظام دانست تأکید می ورزیدند. یعنی اینکه افرادی با سوابق و مواضع و تلقی ها و برداشت و قرائت ها و شیوه های مدیریتی متفاوت وجود دارند، و ما باید آنها را با همان ویژگی ها در جهت اهداف و پیشبرد انقلاب و تقویت اسلام همراه و همسو کنیم نه اینکه همه را کاملاً یکسان کنیم. تجربه نشان داده است حتی امروز هم در درون دو جناح شاخص نگاهها، برداشت ها، تلقی ها و تفسیرها از امور

و شیوه مدیریت کاملاً یکسان و یک رویه نیست و اتفاقاً این گونه اختلاف‌ها می‌تواند مصداق «اختلاف امتی رحمة» باشد. اصلاً با اصل فطری ناهمخوان است که همه افراد و موجودات و سلاقی و نگاهها و برداشت‌ها کاملاً یکی باشد. مبالغه نیست اگر بگوییم این توقع امری محال است. هنر اولیاء و انبیاء الهی هم این بود که نیروها را در جهت اهداف خود و مأموریتی که داشتند بسیج می‌کردند. واقعاً همه نیروها و اشخاص و جریانه‌ها و افرادی که گرد رسول مکرم اسلام جمع شده بودند از هر جهت یکدل بودند؟ اگر واقعاً وحدت باطنی و ظاهری بود چرا جان‌جان عالم، نبی نبی، واسطه ملک و ملکوت، عصاره همه خوبی‌ها و واسطه خلقت آنقدر خون دل می‌خورد؟! اگر ریگ‌های بیابان بطحاء و بیت‌الله الحرام و عرفات و منا و حجاز و مکه زبان حال رنجها و غمهای پیامبر عظیم‌الشأن اسلام بودند و فقط از نامالایمات و جفای رفته بر آن حضرت حرف می‌زدند رنجنامه‌ای بیش از یک دایرةالمعارف عظیم در اختیار داشتیم. و مگر اولیای خدا و بخصوص ائمه هدی (سلام‌الله‌علیهم) از دست دوست کم شکوه و گلایه داشتند و شرایطشان مصداق این مصرع لطیف و شاعرانه نبود که «سعدی از دست دوستان فریاد» یا «که با من هر چه کرد آن آشنا کرد» و هر دو جناح هر وقت در مسند اجراء و مسئولیت قرار گرفتند دلتنگی و شکوه و بث و شکوایشان مصداق این بیت دردمندانه شیخ اجل سعدی بود که:

از دشمنان برسد شکایت به دوستان      چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم

واقعاً یاران امامان هیچ اختلاف و تفاوتی نداشتند؟ فقط اولیاء و انبیاء الهی را می‌توان از همه ابعاد یکی دانست؟ امام می‌فرمود اگر انبیاء الهی را یکجا گرد آوریم اختلاف و نزاعی بین‌شان نیست. (نقل به مضمون، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۱۴)

این بدان معنا نیست که آنها اختلاف سلیقه‌ای نداشتند بلکه در جهت اهداف الهی حرف و هدفشان یکی بود. واقعاً شیوه مأموریتی که برای حضرت امام حسین (ع) رقم خورده بود با مأموریت و رسالتی که برای امام حسن (ع) تعریف شده بود یکی بود؟ خیر. اما هر دو در جهت پاسداری از دین خدا و تقویت اسلام و حفظ قرآن و استمرار دین خدا مأمور بودند.

یادگار امام شایعه علیه نیروهای انقلاب بخصوص یاران امام را در هر دوره یکی از نکات



□ امام همیشه از آغاز نهضت تا پایان عمر بر "وحدت" - که باید آن را اصلی‌ترین و استراتژی‌ترین شیوه‌های مدیریت نظام دانست - تأکید می‌ورزیدند

□ یادگار امام، شایعه علیه نیروهای انقلاب بخصوص یاران امام را در هر دوره یکی از نکات مهم و آسیب‌زننده می‌دانست

مهم و آسیب‌زننده می‌داند. شیوه‌ای که قبل از پیروزی انقلاب تاکنون قوی و ضعیف در مسائل گوناگون و پیرامون افراد حتی زندگی خصوصی آنان مطرح بوده است. امروز که نسبت به زمان حیات مرحوم حاج احمد آقا امکان شایعه‌پراکنی و شرایط و حتی فرصت‌های شایعه بسیار مناسب‌تر و ابزار و تجهیزات گسترش شایعه بسیار گسترده و متنوع شده است، آن روز چیزی بنام اینترنت و فرصت الکترونیکی نبود. امروز غیر از دنیای واقعی که افراد در آن زندگی می‌کنند، دنیای بسیار وسیع و ناپیدا کران مجازی هم در اختیار افراد است.

سرعت انتقال شایعه‌ها، امکان بزرگ‌نمایی و تحریف و قلب حقایق را بدان اضافه کنید تا روشن شود که چگونه می‌توان در یک لحظه با یک شایعه اذهان را آشفته یا پریشان کرد.

در جریان حرکت‌های پس از انتخابات دیدیم که سایت‌های شناخته و ناشناخته چه اخباری را به گوش مردم می‌رساندند، آمارهایی را جابجا می‌کردند که هنوز هم که آنها از آسیاب افتاده است حتی پس از فرو نشستن غبارها نمی‌توان همه را در خوان وحدت یکدل دید. مثلاً در یک درگیری، در یک راهپیمایی آرام، تا صدها نفر کشته گزارش می‌کردند. تصویرهایی را دست‌کاری می‌کردند و افرادی را زخمی و مجروح و مصدوم و مفقود اعلام می‌کردند که کلاه از

سر عقل می‌پرید. معتقدم مثل امروز حتی بسیاری از آنان که نگاهی به گذشته دارند و نظری به آینده، لازم است بار دیگر به آرای امام و یادگار امام برگردند. لازم است بیانات، نوشته‌ها، یادداشتها و حتی احکامی را که امام برای افراد صادر می‌کرد بازخوانی کنند. روی تک‌تک کلمات، تعابیر و واژه‌هایی که در معرفی افراد و تحلیل شخصیت آنها بکار برده‌اند اندکی تأمل و اندیشه کنند. در آرای یادگار امام برخی عبارات‌ها فرا زمانی یا خارج از مناسبت‌ها و مخاطبان است. به دیگر زبان، باید گفت برخی سخنان، تعابیر، جملات و عبارات‌ها دارای شأن نزول خاص هستند. چه بسا نتوان آن سخنان را خارج از شأن نزول به آینده تسری داد. اما بسیاری از سخنان ایشان را باید برای همیشه، در همه زمانها و در هر شرایطی سرمشق و نقشه راه دانست. از آن جمله‌اند.

«همه بدانند که آنها (آمریکا و دستگاههای جاسوسی غرب) به چیزی غیر از نابودی اسلام راضی نیستند، آنها یک قدم به نفع ما بر نمی‌دارند الا اینکه از تمامی آرمانهای اسلامی مان دست برداریم».

(مجموعه یادگار امام، ص ۲۲۹)

«این سخن صریح امام است، روزی که غرب از ما تعریف کند آنروز روزی است که ما باید در خودمان شک کنیم و خدا آن روز را نیاورد».

(همان، ص ۲۲۹)

«اینجانب بارها گفته‌ام که فرزندان انقلاب چهره‌های شناخته شده هر دو جهان سیاسی هستند که از اول انقلاب پیرو اندیشه‌های حضرت امام و مروج و دلسوز اسلام بوده‌اند و علیه رژیم شاه و دارو دسته‌اش قیام کرده‌اند و بعد از صحنه‌های مختلف انقلاب همراه امام بوده‌اند».

(همان، ص ۲۲۶)

اینکه برخی از صاحب‌نظران معتقدند تاریخ و تجربه گذشتگان عبرت است برای آیندگان، سخن بسیار عمیق و ارزشمندی است. یادگار امام با تحلیل منطقی و با بصیرت بسیار بالا در جهت حفظ همه نیروهای نظام سخن رانده است. مدعی نیستم که ایشان با پیشگویی از جریانها و مسائل و معضلات سال ۸۸ یا قبل و بعد از آن خبر داده است که اصولاً این کار را نوعی خرافه‌گرایی و جفا در حق ایشان و افراد دیگر می‌دانم. نکته بسیار مهم، تکرار تاریخ است. ما در شرایطی قرار



گرفته‌ایم که مجموعه عوامل، بررسی و تحلیل آنها، ما را در موقعیت حدوداً هفده سال پیش قرار داده است. یقیناً یک فرد خاص مسبب این شرایط نیست، یک جریان تنها هم، نمی‌تواند علت العلل شرایط فعلی باشد. اگر بپذیریم که همه در پیروزی و توفیق و بلوغ و بالندگی سهیمند و همه هم در شکست، ضعف، نابسامانی دخیل، الا اینکه سهم هر یک باید روشن شود. در عین حال که منکر توطئه و شیطنت آمریکا و سایر اقمار و اصحاب او نیستیم.

فراتر از این معتقدم مادام که در خط امام و ادامه دهنده راه او باشیم، آمریکا با ما کنار نمی‌آید. البته قهر آمریکا برای ملت ما یک نعمت است. از دیگر سو معتقدم نباید هر نابسامانی یا سوء مدیریت یا بی‌تدبیری را از جانب خود، به حساب آمریکا بگذاریم. اینکه ملت ما از یک زندگی مناسب و درخورشان و جایگاه واقعی بهره‌مند نشده، چه بسا از کم تجربه بودن است. در پی آن نباشیم که هر روز مقصری را معرفی کنیم بلکه در صدد برآیم توانها را همسو و مضاعف کنیم. آستانه تحمل خویش را بالا ببریم تا این راه طولانی و پریچ و خم را آسانتر ببیم.

از طرف دیگر پناه بردن به دامن آمریکا و استکبار جهانی را هم راه نجات و فلاح نمی‌دانم. با همین تحلیل بود که امام عزیز از خطر حمله نظامی یا حصر اقتصادی و تحریم‌ها احساس خطر نمی‌کرد. بلکه از تفرقه، از بهم خوردن وحدت در اشکال و صور و سطوح گوناگون بیش از حمله نظامی یا تحریم خوف داشت، البته امام حصر اقتصادی، تحریم یا حمله نظامی را کلاً خالی از ضرر نمی‌داند، بلکه خطر را در اختلاف داخلی می‌داند، یادگار امام چنین تحلیل می‌کند:

«امام بارها فرمودند که انقلاب ما را آمریکا و مجموعه دنیای استکباری نمی‌تواند با تهدید یا تهاجم نظامی نابود کند، جنگ تحمیلی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران این مسئله را ثابت کرد. حصر اقتصادی کاری از پیش نبرد، آنچه ضربه جدی و سرنوشت است، اختلاف داخلی است.»

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۲۵)

یادگار خبیر امام که از نفس مسیحایی حضرت روح‌الله سراچه جانش معطر و عبیر آگین بود علاوه بر خطر اختلاف داخلی، از حیل‌های دیگر غرب نیز بعنوان یک شیوه مؤثر در ایجاد اختلاف داخلی یاد می‌کند. به علاوه شایعه‌های باطل و بخصوص ترویج فرهنگ غرب را نیز مانعی

در مسیر حرکت انقلاب می‌داند. اما نسبت به ریشه‌دار و عمیق شدن اختلاف‌ها و گذر از مرز سلیقه هشدار می‌دهد. از نظر ایشان اگر اختلافها از مرز سلیقه و برخورد افکار و آرای گوناگون گذر کرد به اختلاف حق و باطل منجر می‌شود که در آنصورت دیگر «اختلاف امتی رحمه» نیست.

«اختلاف داخلی فراتر از سلیقه‌ها بیشتر از حب نفس است. اگر انسان خود را تطهیر کند و در چهارچوب شرع حرکت کند و آراسته به اخلاق اسلامی شود به هیچ‌وجه اختلاف پیدا نمی‌کند. چون با توکل بر خدا راه حق شناخته می‌شود و دیگر دعوایی نیست. ولی اگر پای حب نفس پیش آمد انسان همه چیز را از خودش و برای خودش می‌داند و می‌خواهد در اینجا وسوسه، بدبینی، حسادت، رقابت نادرست چهره‌گری خود را به معرض نمایش درمی‌آورد و انسان برای رسیدن به هدفش ممکن است از وسایل نامقدس هم استفاده کند».

(همان، ص ۲۲۶)

اگر سالی را که آن عزیز این هشدارها را داشته با روزگار خودمان مقایسه کنیم، بخصوص سال ۱۳۸۸ معتمد هنوز هم اختلاف‌ها در مرز تضارب آرا و اختلاف سلیقه در مدیریت کشور است. اگرچه برخی از تندروها سعی دارند، این اختلاف سلیقه را از درون خانواده انقلاب بیرون ببرند یکی از دو جناح را در جایگاه حق و دیگری را باطل قرار دهند و تصورشان این است که با ادامه این مرزبندی به انقلاب اسلامی و امام و شهدا و ارزش‌ها و کشور خدمت می‌کنند. اگر بتوانند در شرایط فعلی کار را یکسویه کنند و به تلقی افراطی خود اشداء علی‌الکفار باشند، اما از این راه هرگز به سر منزل مقصود نخواهیم رسید. زیرا هر خانواده در درون خود از دو جناح هوادارانی دارد، کم نیستند افرادی که در تریبون و بلندگوها بر ساز مخالف می‌کوبند و از خانواده و اقوامشان کسانی با آنان همراه نیستند. از فضای سنگینی که بر جامعه ایران سایه افکنده است باید با تدبیر و دوراندیشی و بصیرت و خردورزی به سوی دوستی و مهربانی و برادری و وحدت حرکت کرد. شاید نتوان با یک بخشنامه و دستور و اعلامیه همه کدورت‌ها و رسوب‌ها و زنگارهای اختلاف را در شرایط ندانم کاری و افراط و تفریط بزودی زدود، اما می‌توان سمت و سوی نگاه را به دوستی و برادری تغییر داد. می‌توان از چهره‌های عبوس و خشن، چروکهای کینه و انتقام را پاک کرد. می‌توان با صدها نقطه اشتراک، سرود ترنم وحدت و یکدلی را سر داد.



□ "امام بارها فرمودند که انقلاب ما را آمریکا و مجموعه دنیای استکباری نمی‌تواند با تهدید یا تهاجم نظامی نابود کند، جنگ تحمیلی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران این مسئله را ثابت کرد. حصر اقتصادی کاری از پیش نبرد، آنچه ضربه جدی و سرنوشت است، اختلاف داخلی است"

می‌توان بر خوان نعمت انقلاب همه را فرا خواند، می‌توان حرفهای نامهربانی را حذف کرد. می‌توان به استقبال بهار وحدت حرکت کرد. می‌توان از خدا شرح صدر آرزو کرد، تا تحمل یکدیگر را داشته باشیم. باید به نسل حاضر برخی موارد را متذکر شد. این که هیچ حرف و شعار و سخن و کلامی نباید به شکستن حرمت‌ها، اصول و مبانی نظام منجر گردد. علاوه بر این، تصورم این است که جامعه ما در گودال ضعف اخلاقی سقوط کرده است. بر اخلاق و مبانی اخلاقی باید تأکید ویژه شود. سیاست‌زدگی افراطی ما را در سرایشی سقوط اخلاق انداخته است. بر داشتن مرزهای اخلاق و انصاف برخی را به انجام هر عملی مجاز می‌کند.

جای آن است که خون موج زند در دل لعل      زین تغابن که خزف می‌شکند بازاریش

«دیوان حافظ»

مرحوم حاج احمد آقا در سایه امام بود و از نفس مسیحایی امام فیض می‌برد، و همیشه بر اصول اخلاقی بین هر دو جناح تأکید ویژه داشت. می‌دانست که اختلاف آفت شکننده است. البته به تنوع سلیقه اعتقاد داشت اما فراتر از آن را عامل شکست و حب نفس می‌دانست. واقعاً بی‌توجهی به اصول اخلاقی یا ضعف بنیادهای اخلاقی در این سالها یا غلبه سیاست بر اخلاق با این توجیه که انقلاب پیروز شده است و جهت و سمت و سو و مأموریت‌های رسانه‌ها اعم از صوتی- تصویری و مکتوب، اسلامی است، کلاس‌های اخلاقی کم شد و تصور این است که نسل حاضر



صرفاً با برخی تبلیغات گذرا و روزمره متخلق می‌شوند. این غفلت و غلط‌پنداری یا خوش‌باوری در برخی زمینه‌های دیگر از جمله تربیت نسل‌های نو و جوان هم برای بسیاری موجب دردسر شده است. به امید اینکه مدارس و دبیرستان‌ها و مراکز آموزشی همگی اسلامی است، از نظارت و پیگیری وضع حال فکری و روحی و بخصوص تکالیف دینی غافل شده‌ایم، تا به خود بیاییم، نسلی رها شده، عنان گسیخته بار آمده و برای خود و خانواده و کشور مصایبی را در پی خواهد داشت.

باید از آمیختن همه چیز با سیاست، آنهم متأسفانه از نوع افراطی آن، اکیداً جلوگیری کرد. اینکه کلاس و درس و مجالس عزا و شادی و ورزش و دعا و کوی و برزن را به سیاست آنهم از نوع افراطی و تا حدی غیر مطهر آن بیالاییم به نفع هیچکس نیست. وقتی مراسم عزاداری امام حسین را فرصتی برای حمله و توهین به فرزندان انقلاب و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «فرزندان یک خانواده یا اعضای یک خانواده» می‌دانیم. اینکه بجای حمله به استکبار جهانی، مسئولین دیروز کشور را با آمریکایی‌ها و دشمنان انقلاب یکجا جمع می‌کنیم، اینکه برخی از مسئولین نظام را با وجودی که در مسئولیتهای مهم قرار دارند و فقط با این افراط‌ها و تفریط‌ها مخالفند با عمر عاص و معاویه و شخصیت‌های منفی صدر اسلام مقایسه و همسنگ بدانیم و به حساب خودمان مجلس عزای امام حسین را رونق بدهیم، کاری پسندیده نیست. اینکه هر کس با ما اندک اختلاف سلیقه‌ای داشت بلافاصله باید محکوم شود، خسران عظیمی است در حق انقلاب و مردم، جفایی است که شاید هرگز جبران نشود. شاید این حرفها بکام برخی خوش نیاید که حتی از سر دلسوزی بر این قلم جاری می‌شود، اما خدا می‌داند، مؤلفه مشترکی که از سوی دو جریان به واقع مظلوم واقع می‌شود اسلام عزیز است. اگر جریانی از اسلام چهره‌ای خشن، افراطی، رادیکال، بی‌ترحم و بی‌گذشت ترسیم کند و جریانی هم از اسلام چهره‌ای رنگ‌باخته، خنثی، بی‌خاصیت و لیبرال محض نشان دهد، هر دو در حق اسلام جفا کرده‌اند. بر این مراقبت و حساسیت اندکی تأکید می‌شود، زیرا انقلاب اسلامی به ایران منحصر و محدود نمی‌شود. یادمان نرفته است که در تمام لحظه‌های شکوهمند انقلاب اسلامی بخصوص پیروزیها و کامیابی‌ها ما مسلمانان انقلابی و حتی بسیاری از آزادیخواهان جهان با ما همراهند و نیز در صحنه‌های ضعف و خدای ناکرده یأس و



شکست مجموعه انقلاب اسلامی، آنان نیز پریشان و مغموم و متحیر می‌شوند. این سخن روشن از آن یادگار خبیر امام روانشاد حاج احمد آقا است:

«شکی نیست که انقلاب اسلامی مردم ایران متعلق به همه مسلمانان جهان است و سرنوشت سایر ملت‌های اسلامی برای ما از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. ایران اسلامی خود را در مصایب و مقدرات سایر مسلمانان سهیم می‌داند و بر همه ما واجب است از نظر مادی و معنوی به یاری مسلمانان تحت ستم ... بشتابیم».

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۳۳۱)

با بررسی و مرور «مجموعه آثار یادگار امام» اگر قرار باشد کلیدی‌ترین درونمایه‌ها و پیام‌ها و بیانات و پیام‌های ایشان را دسته‌بندی کنیم می‌توان، موارد زیر را مدخل‌ها یا سرفصل‌های اصلی دانست:

ادامه خط امام با همان قرائت و برداشت و تلقی امام.  
اطاعت محض از مواضع رهبری.  
تأکید بر اصول و رعایت خطوط قرمز نهضت.  
پایبند بودن بر اصول اخلاقی و اسلامی در همه سطوح.  
تقویت روحیه استکبار ستیزی و دفاع از ارزش‌های اخلاقی.  
رشد معقول انسانی و الهی جامعه.  
رفع مشکلات و نارسایی‌های معنوی و مادی بطور توأمان.  
جلوگیری از تکرار ملال آور مسائل دینی و اعتقادی بصورت کلیشه‌ای.  
رعایت تناسب بین نیاز جامعه و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم.  
بکارگیری شیوه‌های جذاب و گیرا در امر تبلیغات.  
جلوگیری از خشونت و شلاق برای اصلاح جامعه.  
رعایت صراحت و صداقت با مردم در مسائل فرهنگی.  
حرف دل مردم را زدن در عین حال با کلام صمیمانه با مردم سخن گفتن.  
انطباق عمل و گفتار بخصوص برای کسانی که به هدایت جامعه می‌پردازند.

اجرای قوانین اسلام ناب محمدی و مبارزه با قدرتهای زورگو و عدم تجاوز و تعدی به  
مظلومان.

دفاع از ملت فلسطین، لبنان و افغانستان و مسلمانان مظلوم جهان بعنوان یک اصل  
خداشه‌ناپذیر در «سیاست خارجی ایران».

طرح آراء و دیدگاههای گوناگون در جامعه لازمه پیشرفت و تعالی آن جامعه است.  
جلوگیری از راههای انحرافی رسانه‌های جمعی مطبوعات و صدا و سیما به منظور ایجاد  
اعتماد مردم.

بهره‌گیری دستگاههای فرهنگی و آموزشی از دریای بیکران اخلاق و عرفان اسلامی بمنظور  
هدایت نوجوانان و جوانان به سوی جامعه فاضله و اسوه اسلامی.

هوشیاری و رعایت وحدت همیشگی بین اقشار مختلف جامعه و پرهیز شدید از اختلافات  
داخلی به منظور مقابله با تهدیدات، توطئه‌ها، شیطنتها و اختلاف افکنی‌های آمریکا و عوامل  
اسرائیل و استکبار جهانی.

آنچه آورده شد مشتاقانه خراوار بود. جای آن خبیر بصیر خالی است. یقیناً امروز و در  
شرایط اندکی خاکستری و غبار آلود فعلی با تبیین راه و خط و اندیشه‌ها و حتی طرح خاطراتی از  
امام در آنچه در سالهای سخت دفاع مقدس داشت می‌توانست دلها را آرام کند.

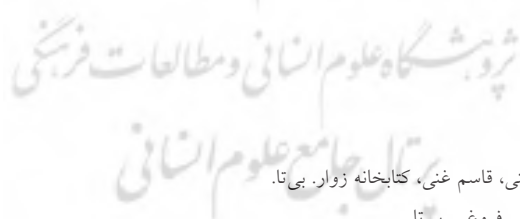
باشد که بیان گوشه‌ای از رنجهایی که امام عزیز و یادگار خبیرشان برای این انقلاب الهی و  
معنوی تحمل کرد، باد غرور را از سر برخی خارج کند. تدابیر خارق‌العاده و مدیریت استراتژیک  
و کلانی که از امام سراغ داشت امروز گره‌گشای مشکلات فراوان بود. با بیان شفاف و آشکار  
مواضع امام و قرائت صریح و بی‌پیرایه آرای امام، هم از رسوب لایه‌های بیشتر خرافه‌پرستی و  
تحریف و برداشتهای غیرواقع از امام و انقلاب و اسلام جلوگیری می‌کرد و هم لایه‌هایی از  
رسوب‌های ذهنی برخی از تندروها را می‌زدود. اگر بود بوی امام به مشام جانمان می‌رسید. اگر بود  
با نسیم عطر یاد امام ما را به همسایگی اولیای خدا فرا می‌خواند. اگر بود ما را مستقیماً برخوان  
پر نعمت اندیشه‌های امام فرا می‌خواند. اگر بود از رشد بی‌رویه برخی کسانی که در زمان امام سر



دوستی و هم‌سویی با امام را نداشتند جلوگیری می‌کرد. اگر بود از جدایی بین یاران امام و انقلاب جلوگیری می‌کرد. اگر بود یقیناً برای رهبر فرزانه انقلاب هارونی بود که مخلصانه موسی را در پیشبرد امور یاری می‌کرد. اگر بود در حد خویش ممیزی بود برای آنان که واقعاً امام را از سردرد و عمق جان دوست داشتند نه آنان که از امام استفاده تبلیغاتی و موردی می‌کنند و اگر بود میزانی بود برای با امام بودن و بر امام بودن. اگر بود بسیاری از در راه افتادگان را تا رسیدن به منزل مقصود مدد می‌فرمود، یقیناً آن هُدُهد سیمرخ شناس همه مرغان شیدا را تا منزل خورشید و خانه سیمرخ و مقام عنقای مقرب، از خطر و تزلزل و خوف و ترس برحذر می‌داشت. اگر بود از غربت بیت امام، اندکی کاسته می‌شد. اگر بود یقیناً با سعه صدری که داشت راه امام روشنتر و شفاف‌تر از حال بود. اگر بود طی طریق، سهل‌تر و ساده‌تر بود، اگر بود از سقوط اصول اخلاقی جلوگیری می‌کرد. اگر بود مانع گذر هر دو جریان از خطوط قرمزی می‌شد که امام ترسیم کرده بود. مهرش بر دل‌هایمان باقی باد، یادش بخیر، صلوات و درود خدا نثار روحش باد.

#### حاشیه:

تعبیر شاعرانه و متناقض‌نمای «Paradoxical» «احمد سایه آفتاب» برای عنوان مقاله، وام گرفته از مقدمه‌ای است که در سال ۱۳۷۴ از سوی یادگار یادگار امام حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدحسین خمینی، برای مجموعه آثار حاج احمد آقا قلمی شده است.



#### منابع و مأخذ:

۱. دیوان حافظ، تصحیح محمد قزینی، قاسم غنی، کتابخانه زوار. بی‌تا.
۲. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی. بی‌تا.
۳. صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، ناشر مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. مجموعه آثار یادگار امام دوره ۲ جلدی، (حاج سیداحمد خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۸۵.